



۱. لزوم بازتعریف اندیشه انقلاب اسلامی

سیدمحمدرضا خاتمی

انقلاب اسلامی ایران یکی از پدیده‌های بی نظیر قرن بیستم بود که آثار ایجابی و سلبی آن همچنان جهان را تحت تاثیر خود دارد و گمان می‌رود این اثربخشی، حداقل در نیمه اول قرن بیست و یکم نیز تداوم یابد. زایش درونی این انقلاب، مهم‌ترین عامل بقای حیات و پویایی و سرزندگی آن بوده است تا آن‌جا که توانسته در سه دهه گذشته چراغ راهی فراروی افراد و جریان‌هایی باشد که خارج از نظم سنتی حاکم بر جهان، خواستار سامانی دیگر هستند.

انقلاب اسلامی از لحاظ پایگاه اجتماعی و طبقاتی، آموزه‌های بنیادی حاکم بر آن، نوع رهبری، شعارها، ایده‌ها و آرمان‌ها، انقلابی منحصر به فرد است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل اثربخشی آن نیز همین استثنایی بودن (ناشناخته بودن) ساختار و چارچوب آن بود.

انقلاب اسلامی را هر گونه بازخوانی کنیم، با آن موافق یا مخالف باشیم، آن را موفق یا ناموفق بدانیم، به هر حال آثار شگرف آن بر حیات اجتماعی و سیاسی ایرانیان را نمی‌توان انکار کرد. اگرچه امروزه می‌توان درصد قابل توجهی از مردم را سراغ گرفت که از وضعیت خود راضی نیستند و شان جامعه ایرانی را فراتر از آنچه امروز است، می‌دانند اما نمی‌توان منکسر آن شد که انقلاب اسلامی ایران گسستی تاریخ‌ساز در حلقه ناگسستی استعمار- استبداد ایجاد کرد که بازسازی آن امروز به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست.

رشد سیاسی- اجتماعی ملت ایران در سایه انقلاب، نه تنها سبب شده است ایران و ایرانی در سه دهه گذشته پیشتر جریان‌های متعرض منطقه باشد و موجب شود مردم منطقه به مدد عنصر آگاهی و عزت‌یابی، به راه‌های جدیدی برای حاکمیت بر سر نوشت خود دست یابند بلکه موازنه قوای جهانی را به نحوی رقص زده است که دیگر عده و عده نظامی و سلطه اقتصادی، تعیین کننده سر نوشت جهان نیست.

اما در میان ملت ایران که استقلال خود را وامدار انقلاب اسلامی می‌داند، بحث‌های فراوانی درباره دستاوردهای مادی و معنوی انقلاب و حکومت برخاسته از آن، یعنی جمهوری اسلامی وجود دارد. امروز دو سوم جمعیت کشور را کسانی تشکیل می‌دهند که انقلاب را در تاریخ خوانده‌اند؛ حوادث مهم دهه اول انقلاب، نظیر دفاع مقدس و هجرت همه‌جانبه دشمنان انقلاب و حتی اسلام را فقط در قالب تصاویر و فیلم‌های آرشیوی دیده‌اند و طبیعی است که چون فضای خفقان زمان پهلوی را ترک نکرده‌اند و در حال حاضر هم تابلوهای دموکراسی و توسعه در کشورهای جهان و منطقه را در پیش چشم خود دارند، به مقایسه وضع و حال امروز خود با دیگران بپردازند و بخواهند اثر به موثر بی‌برزند. بی‌گمان در یک قیاس ساده، سوالات بسیاری برای آنان مطرح می‌شود که نپرداختن به آن‌ها، سبب خسران و زیان بسیار برای ایران و جمهوری اسلامی خواهد بود.

مهم این است که سرمایه عظیم انقلاب اسلامی، رهبری بی‌نظیر امام خمینی (ره) و از همه مهم‌تر، اسلام که سعادت دنیوی و اخروی همه انسان‌ها را تضمین می‌کند امروز با چون و چراهایی روبرو شده است که ناشی از شناخت جامعه ما از آن‌ها نیست، بلکه محصول عملکرد همه ما و همه کسانی است که به هر صورت و در هر شکلی، در قالب نظام جمهوری اسلامی، شکل دهنده برداشت و نگرشی خاص درباره این مقولات بوده‌ایم. این تصویری نادرست است که فردی یا جریانی تصور کند اگر همه امور طبق نظر او سامان می‌یافت، تغییری اساسی در پیش و نگرش جامعه ایرانی ایجاد می‌شد گمان درست باید این باشد که با ایجاد فضایی امن و سالم ذهن‌های پرسشگر را به طرح سوالات بیشتر ترغیب کنیم و از موضوعی پیامبرگونه به هدایت خلق بپردازیم. امروز باید گوش‌های شنوایی باشد که صداهای پرطنین جامعه جوان ایرانی را بشنوند و به آن‌ها پاسخ دهند، نه دهن‌های بازی که برای هر سوال مقدر و غیرمقدری، از پیش جواب‌هایی کلیشه‌ای و تکراری بازگو کنند.

تردیدی نیست که اگر خردمندان دلسوز جامعه و وفاداران به انقلاب اسلامی از هر طبقه و گروهی به این باور برسند که برای جلوگیری از افول اندیشه‌های او، راهی جز بازتعریف این پسر فرزانه نیست، آن‌گاه می‌توان امیدوار بود نسل جوانی حقیقت و جوان‌ماند، چون تشنه‌ای در بیابان برهوت مادی‌گرایی حاکم بر دنیا، از زلال چشمه معارف مکتب امام، آنچنان توشه‌ای بگیرند که دنیا را تحت تاثیر خود قرار دهند. گشودن این راه مستلزم دوری از عصبیت و پیشداوری، تکریم نقد و استیضاح، حرمت داشتن قلم و بیان و در یک کلمه وجود آزادی است. این شماره مجله آیین به مناسبت سی‌امین سالگرد انقلاب اسلامی ایران، به بازخوانی این انقلاب از دیدگاهی غیررسمی اختصاص یافته است که هر چند ناچیز و اندک است، اما به مصداق آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید، آدای دین کوچکی است از ما به اسلام بزرگ، امام را اجل عظیم‌الشان، شهنای پاک‌باخته انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و جانبازان و خانواده شهیدانی که همواره چراغ راه ما بوده‌اند و خواهند بود.